

# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نیم‌سال اول ۹۶-۹۵  
رشته فقه و روای مهر ۹۵

مهر مدرسه

حضوری:	صبح ۱۰	نمره: ۱۷	مات پانگونی: ۸۰ دقیقه
غیرحضوری:	صبح ۱۰	نمره: ۲۰	مات پانگونی: ۹۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره عدد	نمره به حروف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره عدد	نمره به حروف

کد آزمون:	۳۹۵۱/۰۳
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۰
عنوان:	فقه ۱
کتاب:	الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة
مجموعه:	جلد سوم: نکاح (ص ۳۴۲-۱۴۳) به استثنای الفصل الخامس فی نکاح الاماء (ص ۲۶۴-۲۴۹)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد ملی: ..... مدرسه علمیه: ..... شهرستان: ..... استان: .....

۰/۵

۱- عین حکم ما لو زوج الام صغیرها؟ ص ۱۸۲

- الف. صح العقد و لیس له بعد البلوغ إلا طلاق زوجته.
- ب. صح العقد لو یرضی بعد بلوغه.
- ج. صح العقد لو لم یرد بعد بلوغه.
- د. بطل العقد لعدم ولاية الام.

۰/۵

۲- در کدام صورت حکم «من تزوج امرأة فی عدتها» حرمت ابدی نیست؟ ص ۲۰۷

- الف. لو كان عالما بالعدة و التحريم فی العقد المنقطع
- ب. لو كان عالما بالعدة و التحريم فی العقد الدائم
- ج. لو كان جاهلا بالعدة فقط و لم یدخل بها
- د. لو كان جاهلا بالعدة فقط و الدخول دبرا

۰/۵

۳- ما هو حکم النکاح، لو أسلم أحد الزوجین بعد الدخول؟ ص ۲۲۴

- الف. یقف الفسخ على انقضاء العدة لو كان المسلم هو الزوج.
- ب. انفسخ العقد و على الزوج المهر لو كان هو المسلم.
- ج. انفسخ العقد و على الزوج المهر.
- د. یقف الفسخ على انقضاء العدة.

۰/۵

۴- در چه صورتی پرداخت نصف مسمی در عقد متعه واجب است؟ ص ۲۳۸

- الف. لو لم یدکر المهر حين العقد.
- ب. لو وهب المدة قبل الدخول.
- ج. لو وهب المدة مطلقا.
- د. لو وقع العقد باطلاً.

۰/۵

۵- ما هي عدة المسترابة المتمتع بها؟ ص ۲۴۶

- الف. خمسة و اربعون يوماً
- ب. ثلاثة أشهر
- ج. حیضتان
- د. طهران

۰/۵

۶- حکم پرداخت صدق بر زوج در فرضی که «أبرأته من الصداق ثم طلقها قبل الدخول» کدام است؟ ص ۲۷۵

- الف. فله نصف المسمی.
- ب. فله نصف مهر المثل.
- ج. فله نصف المتعة.
- د. فلیس له شیء.

۷- عبارت «یصح اشتراط الخيار فی الصداق لأن ذکره فی العقد غیر شرط فی صحته فیجوز إخلاؤه عنه و اشتراط عدمه فاشترط الخيار غیر مناف لمقتضى العقد، فیندرج فی عموم (المؤمنون عند شروطهم) فإن فسخته ذوالخيار ثبت مهر المثل مع الدخول، ولو اتفقا على غیره قبله صح. (و لا یجوز) اشتراطه (فی العقد) ... و قبل یبطل الشرط خاصة لأن الواقع شینان فاذا بطل أحدهما بقى الآخر و یضعف بأن الواقع شیء واحد و هو العقد على وجه الاشتراط فلا یتبعض.» را کاملاً تبیین نمایید. (ترجمه کافی نیست). ص ۱۶۶ - ۲/۵ نمره

جواب: در ضمن عقد نکاح که مهریه ای تعیین شده است می توان شرط کرد که اختیار فسخ و ابطال مهریه برای یکی از دو طرف وجود داشته باشد. دلیل مطلب آن است که چنین شرطی مخالف مقتضای عقد نکاح نیست و لذا قاعده «المؤمنون عند شروطهم» (دال بر لزوم عملی به شرط و نفوذ شروط ضمن عقد) شامل این مورد می شود. زیرا می توان عقد نکاح را اساساً بدون مهر انشاء نمود. وقتی نکاح بدون مهر یا نکاح با شرط عدم مهر صحیح است، پس شرط خیار هم صحیح است و با مقتضای نکاح منافات ندارد.

حال اگر ذوالخيار مهر را فسخ کرد، مهرالمسمی باطل می شود و در فرض دخول، مهرالمثل اثبات می گردد. و نیز می توانند دو طرف قبل از دخول توافق نمایند که مهریه دیگری برای نکاح ثابت باشد (که در این صورت همین مهریه جای مهر قبلی را می گیرد). (پاسخ به این قسمت ۱/۲۵ نمره)

مسأله بعدی این است که نمی توان در ضمن عقد نکاح شرط خیار نسبت به خود عقد نکاح قرار داد (و حق فسخ نکاح را در قالب شرط قرار داد) حال اگر چنین شرطی گذاشته شود، یک قول آن است که فقط شرط فاسد است و خود عقد صحیح است، زیرا دو چیز انشاء شده است؛ یکی اصل عقد نکاح و دیگری شرط ضمن آن و بطلان یکی مستلزم بطلان دیگری نیست. اما این قول ضعیف است، زیرا در حقیقت آن چه انشاء شده یک چیز است نه دو چیز، و آن یک چیز نکاح در فرض ثبوت حق فسخ است (نه مطلق نکاح به ضمیمه حق فسخ جداگانه) و لذا بطلان شرط مستلزم بطلان «نکاح با حق فسخ» است و این یعنی بطلان عقد. (۱/۲۵ نمره)

۸- در فرضی که: «مرد مدعی زوجیت شود ولی زن انکار کند و قسم بخورد» پاسخ دهید: ص ۱۶۸ - ۲ نمره

۲

الف) حکم نکاح مرد با خویشان نسبی زوجه را با ذکر مثال همراه با دلیل توضیح دهید.

جواب: گرچه در فرض فوق حکم به عدم ثبوت نکاح می‌شود، ولی چون مرد اقرار به زوجیت کرده است لذا به حکم قاعده اقرار (اقرار العقلاء علی انفسهم جائز) او نمی‌تواند با خویشان نسبی زوجه ازدواج کند. مثلاً نمی‌تواند با خواهر زوجه مورد ادعا یا مادر او یا دختر او نکاح نماید. (۰/۷۵ نمره توضیح و دلیل - ۰/۲۵ مثال)

ب) حکم نفقه زوجه را با ذکر دلیل بیان نمایید.

جواب: گرچه مرد مقر به وجوب انفاق است، اما زوجه در چنین فرضی حق نفقه ندارد چون با انکار خودش از تمکین اعراض نموده است. (۱ نمره)

۹- عبارت «لا ینکح ابو المرتضع فی اولاد صاحب اللبن ولادۀ و رضاعاً و لا فی اولاد المرزعة ولادۀ و یترتب علی ذلک تحریم زوجة ابي المرتضع علیه لو أرضعته بعض نساء جده لامه بلبنه و إن لم تکن جدة للرضیع» را با ذکر نحوه تطبیق قاعده، کاملاً تبیین نمایید. (ترجمه کافی نیست). ص ۱۹۳ - ۲ نمره

۲

جواب: یکی از آثار مترتب بر رضاع آن است که پدر طفل شیرخوار (مرتضع) نمی‌تواند با اولاد نسبی و یا رضاعی مردی که صاحب شیر است و یا اولاد نسبی مادر رضاعی ازدواج کند. از جمله اموری که بر این قاعده کلی مترتب می‌شود آن است که اگر مردی طفل شیرخواری داشته باشد و این طفل را جده مادری کودک شیر دهد، در این صورت نکاح بین مادر مرتضع با پدر مرتضع فسخ می‌شود، زیرا در چنین حالتی صدق می‌کند که پدر مرتضع با اولاد نسبی مرتضع ازدواج کرده است و این ازدواج صحیح نیست لذا ادامه آن ممکن نمی‌باشد.

۱۰- الف) حکم نکاح زانیه با زانی را با توجه به دو روایت زیر (با فرض صحت سند) مطابق نظر شهید ثانی (ره) تبیین نمایید.

(عن ابي عبدالله عليه السلام: «أیما رجل فجر بامرأة ثم بداله أن یتزوجها حلالاً، أوله سفاح و آخره نکاح» - (سألته عن رجل فجر بامرأة ثم أراد بعد أن یتزوجها فقال: اذا تاب حل له نکاحها)

۱/۵

ب) مقتضای اصل مطابق نظر شهید ثانی (ره) جواز نکاح است یا عدم آن؟ ص ۲۰۹ و ۲۱۰ - ۱/۵ نمره

جواب: الف. روایت اول بر جواز نکاح زانی بر زانیه دلالت می‌کند. اما روایت دوم بر منع در فرض عدم توبه دلالت دارد و مطابق نظر شهید ثانی (ره) جمع دو روایت به این است که اگر زانی توبه کرده است، نکاح جایز است و مکروه نمی‌باشد و اگر توبه نکرده است، کراهت دارد و جانب جواز مقدم است. ب. مقتضای اصل، جواز نکاح است. (۰/۵ نمره)

۱۱- تعریض یا تصریح به نکاح مطلقه در حال عده از سوی هر یک از زوج یا غیر زوج جایز است یا حرام؟ مراد از تعریض را توضیح دهید و برای آن مثالی بزنید. ص ۲۳۰ - ۲ نمره

۲

جواب: طلاق یا رجعی است یا بائن. اگر رجعی باشد تعریض یا تصریح بر غیر زوج حرام است (ولی زوج می‌تواند رجوع کند) و اگر بائن باشد، نسبت به زوجه تعریض و تصریح جایز است و نسبت به غیر زوجه تعریض جایز و تصریح حرام است.

تعریض یعنی خواستگاری بدون صراحت و با کنایه، مثل اینکه بگوید: «تو خواهان زیادی داری».

۱۲- تفویض البضع یعنی چه؟ چه تفاوتی با تفویض المهر دارد؟ در فرض تحقق تفویض البضع، اگر زوج طلاق دهد یا عقد را فسخ نماید چه حکمی بر آن مترتب می‌شود؟ ص ۲۶۸ تا ۲۷۱ - ۲ نمره

۲

جواب: تفویض البضع یعنی نکاح دائم را بدون ذکر مهریه منعقد نمودن. (۰/۵ نمره) اما تفویض المهر آن است که مهر ذکر می‌شود ولی نه به صراحت و تعیین در خود عقد، بلکه تعیین آن به عهده یکی از زوجین گذاشته می‌شود تا پس از عقد تعیین نماید. (۰/۵ نمره)

در فرض تحقق تفویض البضع، اگر زوج طلاق دهد و دخول صورت گرفته باشد، باید مهرالمثل بپردازد و آلا باید متعه بپردازد یعنی مبلغی یا مالی را مناسب توان خودش به زن بدهد. (۰/۵ نمره) و در فرض فسخ در موارد جواز فسخ، چیزی بر عهده زوج نیست. (۰/۵ نمره)

۱۳- در چه موردی زوجه می‌تواند تا قبل از قبض مهریه از تمکین خودداری نماید؟ و در چه موردی نمی‌تواند؟ علت جواز استنکاف و عدم جواز را نیز بیان نمایید. ص ۲۸۰ و ۲۸۱ - ۲ نمره

۲

جواب: در صورتی که مهریه حال باشد، زوجه حق استنکاف از تمکین تا قبل از اداء مهر را دارد، زیرا نکاح در حکم معاوضه است (معاوضه بین مهر و بضع) و همانطور که هر یک از متعاقبین یا متبایعین می‌تواند تا قبل از اداء عوض از سوی دیگری از تحویل عوض خودداری نماید در این‌جا نیز زن می‌تواند از تحویل بضع، یعنی تمکین خودداری نماید تا زوج مهر را تسلیم نماید. (ذکر مورد ۰/۵ نمره و علت ۰/۵ نمره) و اگر مهریه مؤجل باشد نمی‌تواند استنکاف نماید. (۰/۵ نمره) زیرا در فرض تأجیل، هنگام مطالبه بضع و تمکین توسط زوج چیزی بر ذمه وجود ندارد تا زن حق مطالبه داشته باشد. (۰/۵ نمره)

\* سوالات زیر مختص طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۴- با توجه به عبارت «و الأقرب النشر بالعشر لعموم قوله تعالی و أمهاتکم اللاتی أرضعنکم» و نظائر من العمومات المخصّصة بما دون العشر قطعاً فیبقی الباقي» دلیل ثبوت احکام رضاع با ده بار شیر خوردن طفل را تبیین نمایید. ص ۱۸۶ - ۱ نمره

۱

جواب: در آیه مذکور و عمومات مانند آن هرگونه شیر خوردن به عنوان عامل ثبوت احکام رضاع و حرمت ازدواج ذکر شده است ولی این عمومات نسبت به شیر خوردن کمتر از ده بار قطعاً تخصیص خورده است یعنی شیر خوردن کمتر از ده بار قطعاً احکام رضاع و حرمت ازدواج را ثابت نمی‌کند. اما در مورد ده بار شیر خوردن تخصیص قطعی وجود ندارد و عمومات احکام رضاع و حرمت ازدواج جاری می‌شود یعنی با ده بار شیر خوردن احکام رضاع ثابت می‌شود.

۱۵- در هر کدام از دو فرض «لو اختلف الزوج و الزوجة فی قدر المهر ... و لو اختلفا فی التسلیم ...» قول چه کسی مقدم می‌شود؟ چرا؟ ص ۲۸۴ و ۲۸۵ - ۲ نمره

۲

جواب: ۱. اگر زوجین در مقدار مهر با هم اختلاف داشته باشند یعنی زوج بگوید مهر مقدار خاصی است و زوجه بگوید مهر بیش از آن مقدار است، قول زوج مقدم می‌شود (۰/۵ نمره) زیرا اصل برائت ذمه‌ی زوج بیش از مقداری است که او به آن اعتراف می‌کند و در واقع زوجه مدعی مقدار بیشتر است پس باید بینه بیاورد و آلا قول زوج مقدم است. (۰/۵ نمره) ۲. اگر اختلاف آن‌ها در تسلیم مهر به زوجه باشد یعنی زوج بگوید مهر را داده‌ام و زوجه انکار کند، قول زوجه مقدم می‌شود (۰/۵ نمره) زیرا اصل این است که زوج مهر را تسلیم نموده است پس او مدعی است و زن منکر و قول منکر مقدم می‌شود. هم‌چنین استصحاب بقاء اشتغال ذمه بر اشتغال ذمه‌ی زوج به مهر و عدم پرداخت آن دلالت دارد. (۰/۵ نمره)